

The Origin of the Creation of the World and the Role of Motion in *Nahj al-Balagha*¹

Ali Noori Saeid², Mohammad Ranjbar Hosseini³, Norouz Amini⁴

(Received on: 2022-8-17; Accepted on: 2022-12-20)

Abstract

Various arguments have been put forward regarding the origin of the world's creation. However, phenomena related to the initial creation have not been examined with a focus on the quality and quantity of the movements involved in the process. In this research, we analyze the origin of life and its dimensions through the lens of *Nahj al-Balagha*, providing a critical examination of the creation process. This theoretical study employs a descriptive-analytic method to address the following question: What are the hidden and thought-provoking dimensions of the origin of the world's creation in terms of the nature of movement within the creation process, as presented in *Nahj al-Balagha*? The research findings indicate that significant events occurred at the moment of the creation of being and life. Following the creation and separation of the atmospheres, the process of creation commenced. *Nahj al-Balagha* mentions two significant explosions as part of the creation movements, highlighting the crucial and thought-provoking role of movement at the onset of creation.

During the first explosion, the atmosphere brought time into existence. Subsequently, matter was created as water or a watery substance, which then expanded. After a period, the centrifugal force gathered this water, which had transformed into a tumultuous sea, into a

1. This article is derived from Ali Noori Saeid, "Origin of life from the perspective of the Quran, hadiths, and Imami theology," PhD diss., University of the Quran and Hadith, 2022.

2. PhD student, Quran and Hadith (Imamiyya), Department of Imami Theology and Beliefs, Faculty of Islamic Sciences and Studies, University of Quran and Hadith, Qom, Iran (corresponding author). Email: anoorisaeid@gmail.com

3. Assistant professor, Department of Imami Theology and Beliefs, Faculty of Islamic Sciences and Studies, University of Quran and Hadith, Qom, Iran. Email: ranjbar.m@qhu.ac.ir

4. Assistant professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Gilan, Rasht, Iran. Email: norouz.amini@guilan.ac.ir

single place. This indicates an orderly, purposeful motion aimed at preserving the primary matter. Following this, the second explosion occurred. *Nahj al-Balagha* does not specify the interval between the first and second explosions. The second explosion was more intense, occurring in space, and resulted in a strong wind that agitated and transformed the sea. As a consequence of these motions and the energy produced by the explosions and other developments, foam-like bubbles were expelled from the sea into space.

The bubbles moved forward and began to expand in space. These events led to the existence of the sky and served as the origins of being and life. In conclusion, as the process of creation progressed, the intensity of these motions increased. Thus, the main element involved in the emergence of the world can be attributed to the quality and quantity of precise, orderly motions of creation. This analysis suggests that the text of *Nahj al-Balagha* aligns with the results of modern scientific theories about creation.

Keywords: The Quran, *Nahj al-Balagha*, emergence of the world, Imam ‘Alī, creation, motion.

منشأ آفرینش جهان و نقش پدیده حرکت در آن از منظر نهج البلاغه^۱

علی نوری سعید^۲، محمد رنجبر حسینی^۳، نوروز امینی

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۹]

چکیده

درباره منشأ آفرینش جهان، دلایل زیادی ارائه شده است؛ با این وجود تاکنون پدیده‌های خلقت اولیه با تمرکز بر کیفیت و کمیت حرکات آفرینش بررسی نشده‌اند؛ از این رو نویسندگان در این نوشتار با بررسی این مبحث در کتاب نهج البلاغه، به تحلیل نقادانه منشأ حیات جهان و ابعاد آن می‌پردازند. مقاله حاضر، پژوهشی نظری از نوع توصیفی - تحلیلی است. این نوشتار بر مبنای این پرسش شکل گرفته است: «زویای پنهان و تفکربرانگیز منشأ آفرینش جهان و مراحل آن با تمرکز بر ماهیت پدیده حرکت در فرایند آفرینش از منظر نهج البلاغه کدام‌اند؟» نتایج پژوهش نشان می‌دهد وقایع مهمی در لحظه آفرینش حیات و هستی رخ داده است و بعد از خلق و شکافته شدن جوها خلقت آغاز شد. از منظر حرکات آفرینش، دو انفجار بزرگ برای منشأ حیات جهان معرفی شد که خود بیان از نقش مهم و تأمل‌برانگیز پدیده «حرکت» در آغاز آفرینش جهان است.

فضا در اولین انفجار، زمان را به وجود آورد؛ سپس ماده به صورت آب یا ماده آب‌گونه خلق شد که در مرحله بعد انبساط پیدا کرد؛ اما نیروی گرانش (گریز از مرکز) پس از مدتی آن آب را که به طور دریای جوشان درآمده بود، در

۱. این مقاله برگرفته از: علی نوری سعید، «منشأ حیات از دیدگاه قرآن، روایات و کلام امامیه»، رساله دکتری، استاد راهنما: محمد رنجبر حسینی، گروه کلام و عقاید امامیه، دانشکده علوم و معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، ایران، ۱۴۰۱، است.

۲. دانشجوی دکتری رشته قرآن و حدیث، گرایش امامیه، گروه کلام و عقاید امامیه، دانشکده علوم و معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران، (نویسنده مسئول) anoorisaeid@gmail.com

۳. استادیار گروه کلام و عقاید امامیه، دانشکده علوم و معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران Ranjbar.M@qhu.ac.ir

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه گیلان، رشت، ایران norouz.amini@guilan.ac.ir

یک محدوده و یک‌جا جمع کرد که نشان‌دهنده حرکتی منظم و هدفمند برای حفظ مادهٔ اولیه خلق شده بوده است. سپس انفجار دوم حادث شد که دربارهٔ فاصله زمانی آن با انفجار اول اطلاعاتی در این سند ارائه نشده است. انفجار دوم که در آن شدت حرکت بسیار بیشتر بود، در ظرف فضا رخ داد و سبب تولید باد شدیدی شد که به دریای جوشان وزید و مادهٔ آن دریا را تحریک و متحول کرد؛ در نتیجه بر اثر این حرکات و انرژی حاصل از انفجارها و تحول‌های رخ داده، پرتاب حباب‌های کف‌گونه از این دریا به فضا صورت گرفت. این حباب‌ها ضمن حرکت به جلو، در فضا به انبساط پرداختند؛ این وقایع موجب به‌وجود آمدن آسمان و منشأ هستی و حیات شدند. در نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت به موازات تکمیل فرایند آفرینش، شدت حرکات خلقت به تدریج بیشتر شد؛ از این رو می‌توان رکن اصلی پدیدارشدن جهان را در کیفیت و کمیت حرکات دقیق و منظم آفرینش دانست. با مروری بر یافته‌های مطالعه حاضر می‌توان نتیجه گرفت متن نهج‌البلاغه دربارهٔ آفرینش جهان، در راستای نتایج حاصل از نظریه‌های علمی روز است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، نهج‌البلاغه، پیدایش جهان، امام علی (ع)، آفرینش، حرکت.

مقدمه و طرح مسئله

بشر در طول تاریخ همواره کوشیده است اسرار ایجاد جهان هستی و قوانین حاکم بر آن را کشف کند. متون موجود نیز گویای تلاش دانشمندان و فلاسفه برای روشن کردن آفرینش و وقایع مربوط به آن است. آفرینش یکی از مهم ترین مباحثی است که انسان همواره در هر موقعیت و شرایطی علاقمند به درک آن و درصدد کشف اسرار و ابهام های پیچیده آن است. تفکر و تعمق در موضوع آفرینش جهان هستی، پدیدارشدن حیات و چگونگی آن از طریق بررسی پدیده های جهان هستی در جایگاه یک مبحث مهم همواره در قرآن به انسان توصیه شده است (نمل: ۶۹). این امر نشان می دهد افزون بر بیان کلیات حیات در قرآن، استفاده از نیروی تفکر و تحلیل انسان در این باره بسیار مورد تأکید است. بنابراین تحلیل و تفسیر ابعاد این مهم با استناد به روایات اصیل اسلامی در جایگاه منابع معتبر، می تواند موجب تفکر عمیق در انسان و پاسخ دهی به پرسش های اساسی منشأ هستی گردد که سبب افزایش غنای درک منشأ حیات و پدیده های پیرامون آن خواهد شد.

جهان آفرینش مجموعه ای از شگفتی های خداوند است که با مشاهده آن عظمت خداوند در جهان احساس می شود. خوشبختانه امروزه با پیشرفت علوم طبیعی و کشف اسرار و شگفتی های جهان طبیعت، درهای شناخت حقایق معجزه آفرینش به روی انسان گشوده شده است؛ به طوری که به جرئت می توان گفت کشفیات علوم طبیعی در حقیقت کتاب های توحید و خداشناسی هستند که به ما درس عظمت پروردگار را می دهند و هرچند محدود، پرده از نظام جالب موجودات این جهان، خلقت الهی و قدرت و تدبیر خداوند بر می دارند. موضوع آفرینش یا خلق جهان و انسان یکی از مباحث کهن است و درحقیقت اغراق نیست اگر گفته شود این موضوع، تاریخی به قدمت ظهور هستی انسان در جهان دارد. آفرینش یکی از عمده ترین مباحث دینی و جهان بینی اسلامی را دربر می گیرد و در مطالعات دینی نقش برجسته ای را ایفا کرده است. جهان هستی از چیزی مسبوق از خود ساخته نشده و اشیاء بدون اراده خداوند بهره ای از وجود ندارند؛ از

این رو خداوند به آنها افاضه وجود می‌کند. خلقت مترادف معانی مختلفی از قبیل حدوث، ابداع، اختراع است (پترسون و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۸). آفرینش از تجلیات الهی است؛ به عبارت دیگر آفرینش از سوی خداوند است و انگیزه آن همان تجلی است. درواقع جهان هستی چیزی نیست جز ظهور حق به تجلی در صورت‌های موجودات (ابن عربی، ۱۲۹۳: ج ۱، ص ۱۸۸).

در باب ابداع جهان و بدیع‌بودن خلقت نیز در قرآن آمده است: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین اوست و هنگامی که فرمان [وجود] چیزی را صادر کند، فقط می‌گوید: باش؛ پس [فوراً] موجود می‌شود» (بقره: ۱۱۷). این مطلب نشان‌دهنده آن است که خلقت جهان هستی بدون الگوی قبلی یا نمونه‌ای، توسط خداوند قادر صورت گرفته است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۴: ص ۳۲۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۳۹۴).

با استناد به این نکته که بسیاری از یافته‌های علمی در زمینه حقایق مربوط به جهان هستی را می‌توان با مرور متون و روایات مستند دینی جستجو و تفسیر کرد، چنانچه این حقایق برگرفته از سخنانی فردی باشد که از همه جهات به علوم احاطه دارد، به یقین دست‌یابی به حقایق هستی و فهم آن آسان‌تر خواهد شد؛ شخصی همانند امام معصوم که علمش از خزانه بی‌کران الهی سرچشمه می‌گیرد و به اذن الهی از اسرار آفرینش آگاهی دارد. شواهد موجود نشان می‌دهد بسیاری از یافته‌های جدید بشر در علوم مختلف و به‌ویژه زمین‌شناسی به طرق مختلف در نهج‌البلاغه توصیف و تفسیر شده است؛ به طوری که این سند بی‌نظیر انسان را به وجود حقایقی از شروع آفرینش و ویژگی‌های حیات جهان آگاه کرده است.

امروزه محققان و کاوش‌گران علم در بررسی حقایق جهان هستی به این نتیجه رسیده‌اند که افزون بر قرآن کریم، نهج‌البلاغه که دربردارنده مجموعه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های اقتباس شده از سخنان گهربار حضرت علی (ع) است، اطلاعاتی همسو با یافته‌های علمی جدید مربوط به حیات و شگفتی‌های خلقت است (مردانی، ۱۳۹۴: ص ۷ - ۲۴). ازآنجاکه حضرت علی (ع) تربیت شده مکتب اسلام و امام اول شیعیان است، سخنان او الهام‌گرفته از کتاب مقدس قرآن و دربرگیرنده تفسیری روشن از آن است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۳).

نهج البلاغه سندی معتبر است که بخش‌هایی از آن به روشنی به توصیف دقیق و علمی منشأ آفرینش جهان و آغاز حیات اختصاص یافته است. تحلیل این مباحث کمک می‌کند تا انسان با واقعیت‌های جهان هستی ارتباط علمی و ایدئولوژیکی پیدا کند؛ از این رو بررسی این واقعیت‌ها، نمودها و عظمت‌های بیشتری را در جهان قابل مشاهده می‌کند. بین دانشمندان و فلاسفه مباحث مختلفی در زمینه آغاز آفرینش مطرح شده است و اختلاف نظرهای زیادی دربارهٔ قدیم و ازلی بودن جهان یا حادث بودن آن وجود دارد. آنچه به طور غالب پذیرفته شده است، حادث بودن جهان است؛ زیرا ازلی و ابدی بودن فقط مخصوص ذات پاک خداست و هرچه غیر از اوست، حادث و مخلوق است (جعفری، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۲۴). با وجود توضیح‌ها و تلاش‌های روزافزون دانشمندان، هنوز هم پرسش‌های بی‌پاسخ زیادی دربارهٔ منشأ آفرینش جهان وجود دارد که عقل بشری از درک آن عاجز است؛ به طوری که بسیاری از زوایای آن همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در باب پیشینه این بحث باید گفت درباره نهج البلاغه و بررسی علوم مختلف در آن از جمله علوم اجتماعی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و نیز کاوش‌های علمی، پژوهش‌هایی انجام شده است که هر کدام قابل ستایش است. در جستجوی انجام‌شده، پژوهش‌هایی در زمینه آفرینش جهان یافت شد که از چند جنبه از قبیل مفهوم اصلی مورد بحث، وسعت و جامعیت تفسیر آن، توالی مراحل آفرینش و همچنین رویدادهای مهم آن تفاوت‌هایی با هدف مطالعه حاضر دارند که به مواردی از آن اشاره می‌شود.

کریمی و موسوی در مطالعه خود به بررسی نظریه مهبانگ و حقایق مربوط به مبحث آغاز پیدایش جهان هستی در این نظریه و مقایسه آن با قرآن پرداخته‌اند. در این مطالعه به طور غالب محور اصلی تمرکز بر نظریه مهبانگ و بررسی وجوه اشتراک آن با حقایق مربوط به آفرینش جهان در قرآن است؛ ضمن اینکه به توالی وقایع آفرینش و حوادث مربوط به هر مرحله از هستی اشاره نشده است، به‌ویژه اینکه درباره ماهیت آب در جایگاه اولین ماده حیات اشاره‌ای نشده است (کریمی و موسوی، ۱۳۹۶: ص ۴۳ - ۶۰). باقراف نیز مطالعه دیگری با هدف تطبیق حقایق آفرینش جهان با نظریه انفجار بزرگ انجام داده است که در آن به بررسی مقایسه‌ای حقایق آیات قرآن و مطالب

علمی کیهان‌شناسی دربارهٔ آفرینش جهان می‌پردازد؛ در این مطالعه نیز برای تطابق حقایق قرآن و نظریه علمی مهبانگ از کتب تعدادی از مفسران قرآن از جمله فخر رازی، مکارم شیرازی و علامه طباطبایی بهره برده است (باقراف، ۲۰۱۸: ص ۷۶ - ۸۴) که با هدف مطالعه حاضر که تمرکز بر نهج البلاغه برای شرح آفرینش جهان است، تفاوت دارد.

در جستجوی موضوعاتی از قبیل آفرینش و پیدایش جهان هستی به استناد نهج البلاغه نیز چند مطالعه مشابه بررسی شده است که هر کدام از این مطالعات نیز تفاوت‌هایی با هدف اصلی مطالعه حاضر دارند. سعیدی رضوی مطالعه‌ای با عنوان «دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در مورد کره زمین» انجام داده است؛ در این مقاله با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و سخنان گهربار حضرت علی (ع)، به بررسی علوم موجود در این متون فقط دربارهٔ کلیات پیدایش کره زمین و موجودات آن و پایان کره زمین و در نهایت مقایسه آنها با علم روز زمین‌شناسی پرداخته است (سعیدی رضوی، ۱۳۹۳: ص ۸۹ - ۱۰۴) که با هدف مطالعه حاضر که دربارهٔ آفرینش جهان و موضوع وسیع‌تری است، تفاوت دارد. پژوهش دیگری نیز توسط مردانی و معصومی با عنوان «اصالت امام علی (ع) در باره آفرینش انسان و حیوان و نقد شبهات» انجام شده است که در آن با رجوع به نهج البلاغه و تفاسیر، به رد ادعای برخی از ناقدان اهل سنت مبنی بر مطابقت نداشتن محتوای نهج البلاغه فقط در زمینه آفرینش انسان و حیوان با متون علمی پرداخته‌اند (مردانی و معصومی، ۱۳۹۴: ص ۷ - ۲۴)؛ این مطالعه نیز با هدف مطالعه حاضر که بررسی مراحل آفرینش جهان است، تفاوت دارد. مطالعه دیگری نیز توسط شفیعی با هدف شفاف‌سازی دربارهٔ عناصر آفرینش و خاستگاه تاریخی آن در نهج البلاغه انجام شده است که مبتنی بر جستجو در زمینه پرسش‌هایی است که مسلمانان طی تاریخ دربارهٔ آفرینش آسمان‌ها و زمین مطرح کرده‌اند (شفیعی، ۱۳۹۷: ص ۱۱ - ۵۶). در این مطالعه هم به شرح توالی آفرینش جهان هستی و وقایع مهم آن از منظر نهج البلاغه پرداخته نشده است.

با توجه به توضیح‌های ارائه شده، مطالعه حاضر با هدف تحلیل ابعاد و زوایای مختلف منشأ آفرینش جهان هستی و نیز توالی مراحل آن بر اساس کتاب نهج البلاغه انجام گرفته است. در این مطالعه کوشیده شده است با استفاده از شواهد موجود در نهج البلاغه و منابع مرتبط، جزئیات مربوط به مبحث آغاز آفرینش ذیل این پرسش بنیادین بررسی و تحلیل شود: «زوایای پنهان و تفکربرانگیز منشأ آفرینش جهان و مراحل آن با تمرکز بر نقش پدیده حرکت در فرایند آفرینش از منظر نهج البلاغه کدام‌اند؟».

۱. روش‌شناسی تحقیق

این نوشتار مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی است که در آن برای غنی‌تر شدن بحث از آثار تعدادی از شارحان کهن نهج البلاغه از قبیل ابن ابی الحدید، ابن میثم بحرانی، شیخ محمد عبده، علامه زمخشری و همچنین تعدادی شروح دیگر از قبیل محمد جواد مغنیه، علامه محمد تقی جعفری و دیگر منابع ترجمه‌شده مرتبط بهره برده شده است. از شرح‌های پیش‌گفته برای توضیح و تحلیل مبحث آفرینش جهان استفاده شده است؛ با این وجود کوشیده شده است مقایسه‌ای علمی بین حقایق نهج البلاغه درباره مراحل آفرینش جهان با نظریه‌ها و یافته‌های علمی روز انجام گیرد.

۲. آفرینش و منشأ آن از منظر نهج البلاغه

جهان و مخلوقات در منطق نهج البلاغه، ظهور اراده خداوند هستند؛ از این رو کشف قوانین حیات و هستی به معنای کشف شیوه عملکرد اراده تکوینی خداوند متعال در آفرینش جهان است (دستی، ۱۳۸۵: خطبه ۹۱، ص ۱۵۹). مصادیق آفرینش جهان در جهان مادی فضا و کلیه موجوداتی را دربر می‌گیرد که در ظرف فضا وجود دارند. خطبه ۱ (دستی، ۱۳۸۵: ص ۲۱)، خطبه ۹۰ (دستی، ۱۳۸۵: ص ۷۸ - ۷۹)، خطبه ۱۵۵ (خوئی، ۱۳۴۴: ص ۲۶۵)، خطبه ۱۸۶ (صبحی صالح،

۱۳۷۴: خطبه ۱، ص ۲۷۲ - ۲۷۷)، خطبه ۱۶۳ (جعفری، ۱۳۵۷: ص ۱۲۱۳ - ۱۲۱۸)، خطبه ۱۶۵ (جعفری، ۱۳۵۷: ص ۱۲۲۰ - ۱۲۲۵)، خطبه ۱۹۲ (صبحی صالح، ۱۳۷۴: ۲۸۵ - ۳۰۲)، خطبه ۱۹۹ (دشتی، ۱۳۸۵: ص ۴۱۹) و حکمت‌های مشخصی از جمله حکمت ۸ (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ص ۲۳۲) و حکمت ۷ (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۸: ص ۱۰۹۲) در نهج‌البلاغه به مبحث ویژگی‌ها، علم گسترده خداوند و نیز مراحل آفرینش و منشأ آن اختصاص دارند که البته بحث و تفسیر در این باره می‌تواند افزون بر شفاف‌کردن ابعاد آن سخنان حکمت‌آمیز و رفع ابهام‌های آن، موجب درک بهتر خلقت جهان و مقایسه آن با نظریه علمی انفجار بزرگ گردد. در ادامه به مواردی از سخنان گهربار حضرت علی (ع) درباره آفرینش اشاره می‌کنیم.

حضرت علی (ع) در بخشی از خطبه ۱۶۳ نهج‌البلاغه درباره یکی از «صفات فعل» خداوند، یعنی آفرینش جهان هستی و عجایب و شگفتی‌های آن می‌فرماید: «ستایش مخصوص خداوندی است که آفریدگار بندگان است؛ خداوندی که گستراننده زمین، جاری‌کننده سیل در رودخانه‌ها و رویاننده گیاهان بر کوه‌ها و تپه‌هاست». حضرت پس از اشاره به آفرینش انسان که شاهکار بزرگ آفرینش است، به سه موضوع محل سکونت و آب و مواد غذایی اشاره می‌کند تا حس شکرگزاری بندگان را برانگیزد و برای معرفت خداوند آماده کند؛ همچنین در این خطبه به نظام حساب‌شده، هدفمند و منظم آفرینش جهان و تفکر در خلقت فوق‌العاده و زیبایی‌های آفریده‌های جهان تأکید شده است. با این وجود ناپایداری و زوال موجودات جهان را یکی از ویژگی‌های آفریده‌های جهان هستی معرفی کرده است: «لَمْ يَخْلُقِ الْأَشْيَاءَ مِنْ أَصُولٍ أَزَلِيَّةٍ وَلَا مِنْ أَوَائِلٍ أَبَدِيَّةٍ، بَلْ خَلَقَ مَا خَلَقَ فَأَقَامَ حَدَّهُ وَ صَوَّرَ مَا صَوَّرَ فَأَحْسَنَ صُورَتَهُ: اَشْيَاءَ رَا از موادّی نیافرید که ازلی و دارای پیشینه باشند، بلکه آنچه را به وجود آورد، خودش حدش را معین نمود و آنچه را صورت داد، نیکو صورت داد؛ چیزی از فرمانش امتناع نورزد» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۶۳؛ انصاریان، ۱۳۸۸: ص ۳۶۶).

امام علی (ع) در بیان فرمان آفرینش جهان توسط خداوند قادر و بی همتا و عظمت و اراده بی نظیر او در خلقت جهان بدون نیاز به کمک و یاری هیچ موجود دیگری می فرماید: «...خَلَقَ الْخَلْقَ عَلَى غَيْرِ تَمَثِيلٍ وَلَا مَشُورَةَ مُشِيرٍ وَلَا مَعُونَةَ مُعِينٍ، فَتَمَّ خَلْقُهُ بِأَمْرِهِ وَأَذْعَنَ لَطَاعَتِهِ فَأَجَابَ...: آفریدگان را بدون نمونه قبلی و مشورت مشاوران و بدون یاری کمک کاران آفرید و خلقت موجودات به فرمان او کامل شد. همه اطاعتش را پذیرفتند و فرمانش را اجابت کردند» (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ج ۶، ص ۱۰۹).

در خطبه ۱۸۶ نهج البلاغه نیز آن حضرت به توصیف ویژگی مهم آفرینش جهان توسط خداوند بدون الگو قراردادن یا تقلید از نمونه مشابه قبلی می پردازد. بدین ترتیب عظمت آفرینش جهان را بیش از پیش به تصویر می کشد و به شرح صفت بارز خداوند یعنی قدرت او می پردازد. در این باره نخست مسئله ابداع و آفرینش بی سابقه را مطرح می کند و می فرماید خداوند مخلوقات را بی نمونه ای آفرید که از دیگری گرفته باشد و در آفرینش آنها از کسی یاری نجست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ج ۷، ص ۲۲۰ - ۲۲۶): «خَلَقَ الْخَلَائِقَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِهِ وَلَمْ يَسْتَعِزْ عَلَى خَلْقِهَا بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ» (نهج البلاغه: خطبه ۱۸۶).

علامه جعفری در تفسیر قدرت و اراده خداوند برای آغاز آفرینش بیان می کند: «خداوند بساط هستی را بی ماده پیشین بگسترانید و نخستین بنیاد خلقت را بی سابقه هستی بنا نهاد. در امر آفرینش نه اندیشه و تدبیری به جولان درآورد و نه تجربه و آزمایشی او را درخور بود. کاخ مجلل هستی را بدون حرکت و تحولی در ذات پاکش برافراشت و بی نیاز از آنکه قوای مضطربی در روشنش متمرکز شود، چراغ هستی را برافروخت» (جعفری، ۱۳۵۷: ج ۱، ص ۸۷).

همه این بیانات، مظهر تدبیر بی نظیر و قدرت خارق العاده خداوند عظیم است؛ به طوری که فارغ از دین و مذهب همگان را به تفکر در خصوص وجود خالق عالم و قدرتمند و امی دارد. جورج گرینشتاین دانشمند آمریکایی در کتاب خود بیان می کند: «همواره با این حقیقت

مواجه می‌شویم که نیرویی هوشمند و مافوق طبیعی در پیدایش جهان دست داشته است» (Greenstein, 1988: 81).

نکته دارای اهمیت قبل از ورود به مبحث اصلی این است که در باب منشأ آفرینش جهان، نظریه‌های گوناگونی از دیدگاه علوم مختلف وجود دارد؛ از قبیل مهبانگ یا انفجار بزرگ و جهان انفجارهای کوچک، 'نظریه حالت پایدار' و نظریه جهان پلاسمای که هر کدام به نوعی در صدد یافتن پاسخ منشأ جهان و حیات و قوانین حاکم بر تدویم آن هستند. در این میان نظریه «انفجار بزرگ» از سوی بیشتر کیهان‌شناسان بهترین نظریه پذیرفته شده است و تا حدود زیادی همسو با سخنان حضرت علی (ع) درباره خلقت جهان در نهج البلاغه است. این نظریه غالب که آن را به دانشمند روسی ژرژ گاموف (George Gamow) نسبت می‌دهند، مقبول بیشتر دانشمندان بوده است و در سال ۱۹۱۹ توسط مشاهدات ادوین هابل (Edwin Hubble) اخترشناس آمریکایی نیز تأیید گردید. بر اساس این نظریه، حیات بعد از انفجار بزرگ در جهان هستی بروز کرده است و تأکید می‌کند قبل از آفرینش، جهان به شکل یک نقطه پراورزی و متراکم بود و به تدریج با انفجارهای صورت گرفته با سرعت بسیار بالاتر فکیک جهان هستی رخ داد؛ از این رو آفرینش جهان حاصل این انفجار نخستین است (باقراف، ۲۰۱۸: ص ۷۷). در این نظریه به انفجار و تشکیل گازهای سوزان هیدروژنی اشاره شده است (هوگان، ۱۳۸۵: ص ۴۵ - ۴۶).

۲-۱. آغاز آفرینش جهان در خطبه اول نهج البلاغه

حضرت علی (ع) در بخش سوم خطبه اول بعد از اینکه به اجمال درباره شناخت خداوند سخن می‌گوید، در ادامه به خلقت جهان هستی توسط خداوند و شفاف‌سازی در زمینه منشأ آفرینش پرداخته است. در ابتدا می‌فرماید: «أَنْشَأَ الْخَلْقَ إِِنْشَاءً وَابْتَدَأَهُ ابْتِدَاءً بِلَا رُؤْيَا أَجَالِهَا وَلَا تَجَرِبَةَ اسْتِفَادَها وَلَا حَرَكَةَ أَحَدِثَها وَلَا هِمَامَةَ نَفْسٍ اضْطَرَبَ فیها... برای آفرینش جهان، اندیشه، فکر،

استفاده از تجربه، حرکت، تصمیم‌گیری و اضطراب در خداوند راه نداشت» (نهج البلاغه: خطبه ۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۱۱۱).

در باب تفاوت عمده بین آفرینش الهی با کارهای مخلوقات و نیز بی‌نیازی خداوند به اندیشه قبلی برای خلقت، باید اذعان داشت منظور از حرکت در عبارت فوق، همان حرکت اندیشه درون نفس است؛ درحالی‌که در یک تعبیر سطحی بعضی از مفسران آن را حرکت جسمانی خارجی برداشت می‌کنند که لازمه اجسام است (مغنیه، ۱۹۷۹: ج ۴، ص ۴۰۹).

فیض الاسلام در ادامه خطبه اول نهج البلاغه در ترجمه بخش چهارم^۴ درباره سخنان امام علی (ع) در خصوص تشریح مراحل آغاز خلقت جهان و وقایع شگفت‌انگیز آن می‌نویسد: «... سپس خداوند شکافت جوهای لایتنای راه اطراف و گوشه‌های آن را باز نموده، بالای فضا هوا و جای خالی را بیافرید؛ پس در آن آب که موج‌هایش متلاطم و پی‌درپی بود و از بسیاری روی هم می‌غلطید، جاری کرد. آن آب را بر پشت باد تندی که قوی و با صدای بلند بود، برنشاند. پس به باد فرمان داد تا آن آب را باز گرداند و محکم نگاهش دارد و باد را تا سر حد آب نگاه داشت و در جایگاه آن آب قرارداد. هوادر زیر آن باد باز و گشاده و از بالایش آب ریخته شد. آن‌گاه باد دیگری را آفرید و جای وزیدن آن را عقیم گردانید؛ و قرار داد آن را که همیشه ملازم تحریک آب باشد و وزیدن آن را تند کرد و مبدأ تکوینش را دوردست گردانید. پس آن را به حرکت دادن و برهم زدن آن آب فراوان و برانگیختن و بلند کردن موج دریاها فرمان داد. پس آن باد، آن آب را مانند مشک جنبانید و به هم زد به آن تند وزید؛ مانند وزیدنش در جای خالی و وسیع. اول آن را به آخرش باز می‌گرداند و ساکنش را به متحرک آن تا آنکه انبوهی از آب بالا آمد و آن قسمتی که متراکم و بر روی هم جمع شده بود، کف کرد. خداوند آن کف‌ها را در جای خالی و وسیع فضای گشاده بالا برد. هفت آسمان را از آن کف‌ها پدید آورد، زیر آن آسمان‌ها موجی را قرار داد از سیلان و ریزش ممنوع باشد؛ بالای آنها سقفی را که محفوظ است و بلند، بدون ستون‌هایی که نگه دارد و بی‌میخ یا ریسمانی که آنها را منظم داشته باشد. آن‌گاه آن آسمان‌ها را به زینت ستاره‌ها و روشنی نورافکن‌ها آرایش داد و در آنها چراغ

نورافشان خورشید و ماه درخشان را به جریان انداخت؛ درحالی که هریک در فلکی است دورزننده و سقفی سیرکننده و لوحی متحرک» (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۲۲).

برداشت کلی از سخنان حضرت علی (ع) در این خطبه آن است که قبل از پیدایش حیات در جهان، تحولات مهمی رخ می دهد که موجب دگرگونی و آغاز جهان شده است. در این رابطه به نظر می رسد دو انفجار عظیم رخ داده است که طی آنها در انفجار اول فضا و زمان به وجود آمد و سپس انفجار دوم به دنبال انبساط فضا، وسیع تر شدن جهان و پدیدار شدن آب و ماده به وقوع پیوست که از این حیث با نظریه انفجار بزرگ که در آن اعتقاد به یک انفجار متحول کننده و انبساط و تغییرات بعد از آن است و نیز نظریه انفجارهای کوچک هماهنگی وجود دارد.

نظریه علمی دیگری که همسو با وقوع انفجار دوم و نیز توسعه مداوم جهان به دنبال انفجارهای مداوم است، نظریه کهبانگ یا انفجار کوچک است. این نظریه به دلیل اینکه از نظر گروهی دیگر از اخترشناسان با رصدهای اخترشناسی انطباق خوبی دارد، پیشنهاد شده است. بر اساس این نظریه جهان بدون آغاز و انجام است و ماده پیوسته در خلال انفجارهای کوچک (کهبانگ ها) و احتمالاً با روش های اسرارآمیز خلق می شود. در این نظریه جدید، جهان به تدریج انبساط می یابد و کهکشان ها شکل می گیرند (فیشمن و دیگران، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۴۲). با این توضیح می توان اذعان داشت نخستین مظهر آفرینش در جهان، آفرینش فضا بود که با ظرفیت و وسعتی شگفت انگیز برای پذیرش اجرام آسمانی وسعت یافت.

۲-۱-۱. جوّ اولین آفریده هستی

چگونگی آغاز طبیعت و جریان آن را که امیرالمؤمنین (ع) را توصیف کرد، بیان کننده این واقعیت است که خداوند سبّحان در ابتدای خلقت، جوّها را آفرید؛ چنان که می فرماید: «ثُمَّ أَنْشَأَ سُبْحَانَهُ فَتَقَى الْأَجْوَءَ وَ شَقَى الْأَرْجَاءَ وَ سَكَّنَكَ الْهَوَاءَ...» (نهج البلاغه: خطبه ۱).

هدف از بیان کلمه جمع «الاجواء» به معنای «جوها» در شروع این خطبه، نشان دهنده اولین نشانه‌های آفرینش جهان در فرایند آغازین خلقت است؛ به این معنا که قبل از هر تحولی ابتدا جو را آفرید. در یک تعریف لغوی، جو به هوای دور زمین اطلاق می‌شود یا جو به معنای هوا یا قسمتی از هوا که از زمین دور است و آن را احاطه می‌کند (سعیدی رضوی، ۱۳۹۳: ص ۸۹ - ۱۰۴). با این وجود نکته پرسش برانگیز این است که در زمان پیدایش حیات که هنوز زمین آفریده نشده بود و حدود آن نامشخص بود، آیا منظور از جو همین هوای اطراف زمین و با همین احاطه و وسعت بوده است؟ مغنیه معتقد است منظور از این بخش از خطبه آفرینش، خلأ و فضای نامتناهی و به گونه‌ای بیان‌کننده سه مشخصه است: بلندی و ارتفاع که واژه «الاجواء» نشان از آن است؛ اطراف و کناره‌ها مطابق واژه «الْأَرْجَاء»؛ نیز طبقه‌های گوناگون که واژه «سَکَائِک» بر آن دلالت دارد. با توجه به وجود طبقه‌های متعدد در فضا، امام علی (ع) با سه تعبیر مختلف به آن اشاره کرده است و تنها به یکی از آنها بسنده نمی‌کند (مغنیه، ۱۹۷۹: ج ۴، ص ۱۱۴).

با رجوع به بخش‌های بعدی سخنان حضرت علی (ع) این‌گونه برداشت می‌شود که ماهیت و وسعت جو در لحظه آفرینش چه از لحاظ مفهوم و چه از نظر وسعت و عملکرد آن با این تعریف لغوی تفاوت زیادی دارد و منطبق بر تعریف فوق نیست؛ زیرا اگر چنین باشد، تعریفی که «السَّماء» مطلق و اعم است و جو قسمتی از آن می‌باشد (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۹۰)، صدق نمی‌کند. آنچه از این کلام برداشت می‌شود این‌که مفهوم جو در آغاز حیات کلی بوده است؛ به طوری که آفرینش از آن آغاز گردید؛ بنابراین منطبق با تعریف لغوی آن نیست؛ یعنی خود جزئی از سماء نبوده است. با این توضیح به نظر می‌رسد کلمه «الاجواء» (به معنی جوها) در این خطبه از نهج البلاغه بسیار وسیع‌تر از مفهوم جو در لغت و فراتر از ماده است؛ چرا که از دیدگاه نهج البلاغه ماده در مرحله دوم آفرینش حادث شده است؛ از این رو به یقین حادثه‌ای بزرگ و فراتر از ابعاد و تعاریف مادی به وقوع پیوست که این موضوع در اسناد مختلف در بحث آفرینش جهان نیز به تکرار تأکید

شده است (سعیدی رضوی، ۱۳۹۳: ۸۹ - ۱۰۴؛ شفیع، ۱۳۹۷: ص ۱۱ - ۵۶)؛ در نتیجه پدیده‌های آغاز حیات با تعاریف معمول و مادی به سادگی توصیف‌شدنی نیستند.

موضوع آفرینش شش‌روزه جهان در قرآن (اعراف: ۵۴؛ یونس: ۳؛ هود: ۷؛ فرقان: ۵۹؛ سجده: ۴؛ ق: ۳۸؛ حدید: ۴)، در مقایسه با یافته‌های علمی که پیدایش حیات در زمین را طی چند میلیون سال بعد از انفجار بزرگ تخمین زده‌اند و نقدهای وارد بر مدت این شش‌روز می‌تواند مثال روشنی در پاسخ به این شبهه باشد. درواقع این اعتقاد وجود دارد که طول روز، قبل از پیدایش زمین و شب و روز معادل طول روز دنیوی نیست؛ به همین دلیل گاه منظور از یک روز در قرآن و روایات مربوط ممکن است میلیون‌ها سال باشد؛ بنابراین ملاک در تمایز ایام و اندازه‌گیری آنها، حرکت فلک اعلی است، نه حرکت آسمان‌های هفت‌گانه (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۲۰۴).

نکته دارای اهمیت اینکه در مقایسه بین وقایع حادث در راستای منشأ آفرینش از دو دیدگاه قرآن کریم و نهج‌البلاغه، همسوبودن این حقایق نیز در بسیاری از آیه‌های قرآن کریم به خوبی مشهود است. از نظر علامه جعفری آنجا که حضرت علی (ع) به فضا و جو اشاره می‌کند، به احتمال قوی اشاره به همان گازی است که در دو آیه از قرآن با تکرار کلمه دخان (دود) آمده است: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت: ۱۱) و «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ» (الدخان: ۱۰). وجود پدیده‌های ایجادکننده گاز هم در آغاز خلقت و هم در پایان آن تأکید شده است (جعفری، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۱۰۸ - ۱۱۵).

در این آیه‌ها منظور از دخان، گازها و بخارهای آسمان و نیز دودی است که در آفرینش حیات از آسمان بلند می‌شود و به خوبی نشان‌دهنده آغاز حیات از مواد گازی و تکامل یافتن آن است. افزون بر آن در سوره «انبیاء» نیز به یکپارچگی آسمان و زمین اشاره شده است که به معنای تجمع جهان در یک جا می‌باشد که سپس خداوند آنها را از هم گشوده است (انبیاء: ۳۰). فخر رازی نیز در این باره توضیح می‌دهد خداوند در آب حرارت به وجود آورد

و تأیید می‌کند ماده آغازین چیزی شبیه آب بسیار داغ و جوشان بوده است که سپس از آن کف و دودی خارج شد. به طوری که زمین از کف آن و آسمان‌ها از دود آن آفریده شدند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۷، ص ۱۰۴).

کلمه «دخان» و این حقیقت که آسمان‌ها در آغاز به طور دود بود، نشان می‌دهد آغاز آفرینش آسمان‌ها از توده گازهای گسترده و عظیمی بوده است که این مسئله با آخرین تحقیقات علمی درباره آغاز آفرینش کاملاً هماهنگ است. اکنون نیز بسیاری از ستارگان آسمان به صورت توده فشرده‌ای از گازها و دخان هستند (مورس، ۱۳۸۶: ص ۱۹). این یافته همچنین با «نظریه پلاسما» که بیان می‌کند قسمت عمده جهان از گازها ساخته شده است، همسو می‌باشد (باقراف، ۲۰۱۸: ص ۷۸).

۲-۱-۲. شکافتن جو و آفرینش فضا و هوا

در ادامه خطبه اول نهج البلاغه آمده است خداوند پس از آفرینش جو آن را شکافت، فضا و هوا را به وجود آورد و در مرحله بعد آن را بسط داد؛ به این ترتیب با شکافتن جوها، جوانب و ارتفاعات فضا را باز نمود. از آنجاکه فتق در لغت به طور انشقاق جزءها از کل‌ها، جدا کردن موجودات و نشر و زیاد کردن آنها معنا شده است (طباطبایی، ۱۳۸۴: ج ۱۴، ص ۳۹۰)، این موضوع با نظریه انفجار بزرگ که نشان از آغاز جهان در بیست بیلیون سال قبل از یک نقطه بسیار کوچک و فشرده است مطابقت دارد که همه انرژی موجود در جهان را دربر داشته است؛ همچنین انتشار این نقطه پرنرژی بعد از انفجار اولیه و پرتاب آن در فضا برای آفرینش تمام اجزای این جهان با مراحل آفرینش در نهج البلاغه مطابقت دارد (باقراف، ۲۰۱۸: ص ۷۷).

علامه جعفری معتقد است این مسئله که جهان از نظر کشش و امتداد طولی و عرضی متناهی است یابی نهایت، افکار همه فلاسفه شرق و غرب را به جد به خود مشغول کرده است؛ با این وجود جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، حادث است و امتداد آن بی نهایت نیست و چنان که جهان آغازی دارد، پایانی هم دارا می‌باشد (جعفری، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۱۰۶ - ۱۰۷).

به نظر نویسندگان، از این بخش استنباط می‌شود مفهوم «فتق الاجواء» در این خطبه می‌تواند به معنای انشقاق جزء از کل و گسترش جهان به سبب خلقت جدید باشد. این موضوع نشان می‌دهد جهان به طور یک پارچه و در یک جا جمع شده بود؛ چون در این حالت شکافتن و گسترش دادن معنا پیدا می‌کند. این یافته به تعبیری می‌تواند گویای نقش مهم حرکت و همان انفجار اول باشد؛ حرکتی که با اراده خداوند قادر حساب شده و منظم است. در ادامه به تفسیر ماهیت، شدت و ابعاد حرکت‌های آفرینش پرداخته شده است.

۲-۱-۳. مفهوم حرکت در آفرینش جهان (انفجارهای هستی)

یکی از ارکان اصلی آفرینش هستی که در نهج البلاغه به روشنی اشاره شده است، مفهوم «حرکت» است که به نظر می‌رسد نقشی اساسی در ایجاد و تفکیک ابعاد مختلف حیات داشته باشد. به یقین حرکت از بایسته‌های آغاز آفرینش جهان است و از پدیده‌های مهم و محرک ایجاد حیات به شمار می‌رود.

در تفسیر نقش حرکت در حیات و آفرینش باید بیان کرد حرکت حُبّی، حرکتی است که از عشق خداوند به خودش حاصل می‌شود. حرکت حبی یکی از مهم‌ترین مسائل عرفانی است که توسط ملاصدرا در «حکمت متعالیه» نیز مطرح شده است. ملاصدرا که در دیدگاه‌های فلسفی خود از عرفان نیز بهره می‌گیرد، این مسئله را با بیانی فلسفی تبیین کرده است. حرکت حُبّی را می‌توان بنا بر حدیث قدسی «کنت کنزاً مخفیاً»، جریان تجلّی ناشی از حُبّ ظهور و اظهار دانست که در همه اسمای الهی و همه ارکان عالم ساری است. باور به این نوع حرکت، مبتنی بر قبول «وحدت شخصی وجود» است. عشق و پیدایش انسان کامل دو تعبیر مشهور از غایت حرکت حُبّی در سیر نزولی است. هرگونه حرکتی اعم از مادی و مجرد همیشه از مصادیق حرکت حُبّی و نمونه‌ای از حرکت حضرت حق است. در توصیف این مسئله، خروج از قوه به فعل و از نقص به کمال و

از باطل به حق منظور شده است؛ چون حرکت حُبّی عین حیات است و وجود از حرکت جدا نیست. این نوع حرکت، اصلی در تکوین کائنات مرسل، مقید، مادی و مجرد است که اگر وجود نداشت، خلقت عالم تحقق نمی یافت و هیچ آفریده‌ای از کُثم عدم مطلق به دیار موجودیت قدم نمی نهاد (ملاصدرا، ۱۹۹۰: ج ۲، ص ۲۶۳).

ابن میثم در باب نقش حرکت در آفرینش معتقد است از زمانی که خداوند اراده آفرینش خلق را کرد، آفرینش آغاز شد و با کلمه الله اولین حرکت آغاز شد (ابن میثم بحرانی، ۱۴۰۶: ص ۲۸۶). با دقت در کلام حضرت علی (ع) این گونه برداشت می شود که سخن از دو نوع حرکت و درواقع انفجار ایجادکننده حیات به میان آمده است که هدف و شدت هر کدام متفاوت است. در ادامه این موضوع دسته بندی می شود.

۲-۱-۳. آفرینش آب و جرم آب گونه متلاطم (انفجار اول)

حضرت علی (ع) در ادامه مبحث منشأ آفرینش، به آفرینش آب در جایگاه اولین ماده‌ای اشاره می کند که آفریده شد و می فرماید: «... فَأَجْرَى فِيهَا مَاءٌ مُتَلَاظِمًا تَيَّأَرُهُ مُتَرَكَمًا زَخَّارُهُ...» سپس خداوند در آن [فضای عظیم] آبی جاری کرد که امواج متلاطم و متراکم داشت... (نهج البلاغه: خطبه ۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۳۱).

بر اساس آیات قرآن و عقاید یقینی اسلامی، خداوند خالق همه چیز و از جمله ماده اولیه جهان است (زمر: ۶۲) و هیچ ماده ازلی یا قدیم نیست که از ابتدا وجود داشته باشد؛ همچنین در قرآن از ماء (آب) در جایگاه یکی از اولین مواد مؤثر در ایجاد جهان نام برده شده است؛ به طوری که به آفرینش آب قبل از آفرینش آسمان ها و زمین اشاره شده است (هود: ۷).

نهج البلاغه نیز همسو با قرآن به این حقیقت تأکید می کند که خداوند پیش از آفرینش آسمان ها و زمین، آب را آفرید و بر آب ها سیطره و حکومت داشت؛ به این معنا که آب پیش از آفرینش هر

چیزی شکل دهنده هستی بود (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۳۸۰؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۱۲، ص ۴). امروزه همه محققان این حقیقت را قبول دارند که آب از اکسیژن و هیدروژن پدید آمده است و آغاز آفرینش از هوا و توده بخار بوده است.

ابن میثم درباره نقش عنصر آب در آفرینش معتقد است عنصر اول، آب است و از آن انواع جواهر، آسمان و زمین و آنچه میان آنهاست، آفریده است. بنابراین او علت هر پدیده‌ای و علت ترکیب هر عنصر جسمانی است و سپس بیان می‌دارد که از آب منجمد، زمین را آفرید و از آب بخار، هوا را و از خلاصه آب، آتش و دود و از بخار، آسمان‌ها را آفرید (ابن میثم بحرانی، ۱۴۰۶: ص ۲۸۶).

منظور از امواج متلاطم در این بخش از خطبه، ایجاد موج و برخورد امواج به یکدیگر است که می‌تواند حاصل انفجارهای کوچک ناشی از واکنش آب و گاز باشد. در نظریه انفجار بزرگ نیز به وجود عناصری همچون هیدروژن و اکسیژن اشاره می‌شود که تشکیل دهنده آب هستند؛ به طوری که هیدروژن در جایگاه فراوان‌ترین عنصر اولیه در جهان در برابر کل مواد موجود در جهان معرفی می‌شود (هوگان، ۱۳۸۵: ص ۸۳ - ۸۵).

حال این پرسش مطرح است که آیا انرژی آب تحت تأثیر همان گازهای فشرده مایع مانند نخستین ایجاد نشده است که امروزه محققان و دانشمندان معتقدند ماده اولیه جهان از آن حاصل شده است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان بیان کرد خداوند متعال بعد از خلقت جو، سپس جرمی آب‌گونه آفرید که بر اثر ترکیب آن با گازهای متراکم، در نهایت جرمی کف‌گونه پدید آمد که به تعبیری حاصل انفجارهای اولیه خلقت است. کلام امام (ع) در این خطبه مطابق لفظ قرآن کریم است؛ با این توضیح که کف روی آب، بخاری است که از حرارت حرکت آب از روی آن بلند شده است. جز اینکه تا وقتی سنگینی بر کف روی آب غالب بوده است، از آب جدا نشده و به نام کف نامیده می‌شود. پس از آنکه لطیف شد و اجزای هوا بر آن غلبه کرد و از آب جدا شد، بخار نامیده شده است؛ بدین ترتیب کفی که تبدیل به بخار می‌شود همان دود در قرآن کریم است. بنابراین منظور قرآن و سخن امام (ع) یک چیز است؛ پس بخار جدا شده از آب چیزی است که آسمان‌ها از آن

ساخته شده است و از کفی که از دریا جدا نشده و بر روی آن باقی مانده، زمین آفریده شده است (ابن میثم بحرانی، ۱۴۰۶: ص ۲۸۶).

در آیات متعددی از قرآن کریم نیز بیان شده است از جرم آب گونه در آسمان که حاصل همراهی گاز و آب در ابتدای خلقت است و بر اثر حرکت بین امواج متلاطم با عنوان جرم کف گونه تعبیر شده است؛ همچنین زمین آفریده شد و از دود و گاز آن سیارات پدید آمدند (اعراف: ۵۴، یونس: ۳، هود: ۷، فرقان: ۵۹، سجده: ۴، ق: ۳۸، حدید: ۴)؛ بنابراین به یقین کهکشان‌ها، ستارگان و خانواده منظومه شمسی در اصل از یک توده جرم آفریده شده‌اند که بدون هیچ گونه اصراری بر مقایسه این حقایق با یافته‌های علمی و معتبر جدید باید اذعان داشت این موضوعات با یکدیگر مطابقت دارند.

۲-۱-۳. تندباد و طوفان آفرینش (انفجار دوم)

در بررسی خطبه اول به روشنی درباره نقش مهم «حرکت» در آفرینش جهان سخن گفته شده است. حضرت درباره وجود تندبادی شدید و به تعبیری یک طوفان پر قدرت توضیح می‌دهد که مأموریتش نگهداری آب آفریده شده در مسیر معین است.^۵ به یقین آنچه در نهج البلاغه در باب حرکت در توده عظیم و اولیه حیات سخن به میان می‌آید، حرکتی ساده نبود که همه ابعاد آن تصورشدنی باشد. در اینجا به نظر می‌رسد مقصود حرکتی دورانی در محدوده‌ای تعیین شده است؛ بنابراین یک حرکت پرنرژی در یک توده عظیم، اما در یک حدود مشخص را به تصویر می‌کشد که به یقین در مرکز آن انرژی فراوانی ایجاد شده است؛ از این رو می‌توان آن را به نوعی حرکت یک توده عظیم دورانی و با انرژی زیاد به دور خود تعبیر کرد که دارای نیروی فوق العاده گریز از مرکز است.

این موضوع از خطبه ۹۱ نهج البلاغه نیز استنباط می‌شود که فرمود: «سپس آسمان‌ها را از هم جدا نمود [و] با نیروی گریز از مرکز [بین آنها فاصله انداخت]» (نهج البلاغه: خطبه ۹۱). به بیانی دیگر در اینجا از وجود یک باد پرنرژی یا تندباد صحبت شده است که با حرکت دورانی خود امواج آب و اجزای آن را به هم پیوند می‌دهد؛ به طوری که افزون بر اینکه به گونه‌ای شگفت‌انگیز مسیر مشخصی برای جریان آب در

پایین این توده حیات دنبال می‌شود، شرایط لازم برای حمل آن توده عظیم خلقت نیز فراهم شده است. این باد موسوم به «باد اول» یا «تندباد آفرینش» است و با وجود اینکه به طور معمول بر اثر حرکت باد و شدت گرفتن آن بی‌نظمی ایجاد می‌شود، در اینجا استنباط می‌گردد این تندباد (طوفان) ایجاد شده عاملی برای انسجام و ایجاد نظم هدفمند در حرکت امواج بود و مانع از پراکندگی امواج خروشان مذکور شده است؛ به همین دلیل مداوم بود و قطع نمی‌شد. با این وجود توجه به نقش مهارکنندگی این باد در سمت بیرونی امواج، این‌گونه برداشت می‌شود که این امواج از نوعی انرژی درونی ایجاد شده بودند که موجب تحرک و تلاطم همیشگی در آنها شده بود.

ابن میثم این وقایع را این‌گونه شرح می‌دهد: «خداوند مکان‌ها و جایگاه‌هایی را برای جریان آب مقدر فرمود و سپس باد نیرومندی را برای ضبط و حفظ و حمل آن آفرید. از این بیان امام که "الهواء من تحتها فتیق و الماء من فوقها" دقیق فهمیده می‌شود که مکان‌ها و جایگاه‌هایی در زیر آب وجود دارد و باد را فرمان داده است که آب را حفظ و ضبط کند تا به مکان‌های خالی در زیر باد برسد که آب بر روی آن قرار دارد و باز در زیر باد فضای گسترده دیگری است که به قدرت خداوند معلق و محفوظ است. از این عبارت که حضرت فرمود: "عقد مهتبا"، یعنی از آن آب به مقدار مخصوصی به هرجا فرستاد که اراده فرمود، آشکار می‌شود مراد مطلق فرستادن آب نیست. گروهی کلام امام (ع) را "اعتقم مهتبا" قرائت کرده‌اند؛ در این حالت معنای سخن یا این خواهد بود که خداوند مسیر آب را بی‌مانع قرار داد یا اینکه آب را چنان جاری کرد که مجرا و مسیر حرکت و مقصد آن بر کسی معلوم نیست و حرکت باد را مداوم و ملازم با حرکت دادن آب قرار داد و جریان آب را تند کرد و سرچشمه آن را دور قرار داد» (ابن میثم بحرانی، ۱۴۲۰: ص ۲۹۹ - ۳۲۴).

همچنین در باب کنش و واکنش لحظه آفرینش بین آب و باد و بحث ارتفاع آب ادامه می‌دهد: «در فراز دیگر سخن امام (ع) که فرمود "و ابعد منشأها" که ظاهراً به این معناست که ارتفاع آب را در فضا به جایگاه بلندی می‌رساند، با این وجود واژه منشأ به معنای «محل نشو» است؛ یعنی جایگاهی که از آن ایجاد می‌شود. بنابراین از آن ارتفاع فهمیده نمی‌شود مگر اینکه بگوییم منشأها به معنای مصدر به

کاررفته است؛ یعنی جایگاه انشاء و معنا این باشد که خداوند از جایگاه ایجاد آب تا مقصد دوری آب رافرستاد؛ چیزی که این معنا را تأیید می‌کند، مطلبی است که امام (ع) عبارت «نشأت مت مبدء بعید» به آن اشاره می‌کند و بدین لحاظ اطلاع یافتن بر آغاز حرکت آب ممکن نیست، بلکه صرفاً قدرت حق سبحانه و تعالی و بخشش اوست» (ابن میثم بحرانی، ۱۴۲۰: ص ۲۹۹ - ۳۲۴).

نکته قابل تأمل دیگر اینکه شواهد نشان می‌دهد در ادامه وقایع آفرینش حیات، باد دومی نیز ایجاد شد که بسیار شدیدتر از باد اول بود و هدف از آن ایجاد تحرک و تلاطم در آب و رسیدن به هدف نهایی ایجاد حیات در جهان بود. تحت این شرایط امواجی قوی ایجاد شد و نوع دیگری از حرکت خلق شد؛ به طوری که در تفسیر شیوه حرکت و جنبش آن توده عظیم خلقت، آن را به حرکت مشک شیر تشبیه کرده‌اند که منظور شیوه برخورد امواج آب به یکدیگر است ... در نهایت این امواج به ارتفاع بلندی رسیدند؛ به طوری که از این کنش و واکنش و مایع پرنرژی حاصل شده، کف پدیدار شد^{۴۶} (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۲۲؛ انصاریان، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۴۶). به بیانی دیگر، منظور حرکت دورانی آن توده وسیع است که به دنبال آن توده‌های فرعی عظیمی از آن توده اولیه جدا شدند و بر محور توده اولیه به گردش درآمدند؛ از این رو تصور خلق یک واقعه بزرگ را در ذهن ایجاد می‌کند که می‌تواند همان انفجار دوم یعنی نقطه آغازین تغییر و واکنش‌های حیاتی در فرایند آفرینش جهان باشد.

آیتی در این باره معتقد است باد دوم، سترون بود؛ زیرا تنها کارش، جنبانیدن آب بود؛ به این معنا که فقط برای به هم پیوستن آب‌های متراکم خلق شده بود و هدف دیگری را دنبال نمی‌کرد (آیتی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۸). نکته جالب توجه درباره حوادث بیان شده در انفجار دوم، تطابق آن با دیدگاه‌های علمی امروز است که ادعا می‌کنند در آغاز آفرینش جهان، انفجارهای هسته‌ای متوالی در حضور گازها و مایعات رخ داده است، مشابه انفجارهای کنونی رخ داده در خورشید. حاصل این انفجارهای عظیم، ایجاد طوفان گسترده‌ای در این بخش از تحولات آفرینش جهان است (هوگان، ۱۳۸۵: ص ۵۱ - ۵۲).

ابن میثم نیز در این باره اشاره می‌کند که خداوند متعال ضمن به حرکت درآوردن آب و ایجاد تلاطم در مسیر و جریان مشخص توسط تندباد خلق شده، مانعی در مسیر آب ایجاد نکرد و آب یکسره جاری شد (ابن میثم بحرانی، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۲۹۹ - ۳۲۴).

ابن ابی الحدید در وصف تندباد تأثیرگذار بر فرایند آفرینش بایان عبارت «وَأَعْصَفَ مَجْرِيهَا»، می‌گوید: بادی که جریانش بسیار قوی و پر قدرت بود و با باد و طوفان‌های معمولی بسیار تفاوت داشت. سپس ادامه می‌دهد: «وَأَبْعَدَ مَنَشَأَهَا»، یعنی بادی که از نقطه‌های دور دست سرچشمه می‌گرفت، نه همچون بادهای معمولی که غالباً سرچشمه‌هایی نزدیک به خود دارد. در مرحله بعد اشاره به مأموریت این باد می‌کند: «به او فرمان داد که آن آب عمیق و انباشته را پیوسته بر هم بکوبد: فَأَمَرَهَا بِتَصْفِيْقٍ».

نکته قابل توجه اینکه امیرمؤمنان علی (ع) تعبیرهایی که درباره پیدایش جهان هستی دارد، هرگز به صورت یک فرضیه و احتمال نیست، بلکه با قاطعیت و همانند کسی سخن می‌گوید که حاضر و ناظر بوده است؛ این امر دلیل بر آن است که او علم خود را از خزانه غیب الهی یا از تعالیم پیامبر (ص) که او نیز از مبدأ وحی سرچشمه می‌گرفت، دریافت داشته است. به گفته ابن ابی الحدید این مسائل نشان می‌دهد علی (ع) همه علوم را داشت و این معنا از فضایل و مناقب او بعید نیست (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۱: ج ۱، ص ۸۰).

شیخ محمد عبده در این باره شرح می‌دهد «تصفیق» از ماده «صَفَقَ» (بر وزن سقف) به معنای زدن چیزی بر چیز دیگر است، به طوری که صدایی از آن برخیزد؛ از این رو به کف زدن تصفیق می‌گویند. در اینجا به معنای تکان دادن و کوبیدن آب‌ها بر یکدیگر است (فقیهی، ۱۳۷۸: ص ۲۵ - ۲۶). نتیجه همه این حوادث سبب به وجود آمدن شرایط ناهمگونی در آن شد که بعضی از قسمت‌های دریا متراکم‌تر از بعضی قسمت‌های دیگر شود. در واقع محیط این دریا به صورت توده‌های متراکم متعددی تبدیل شد؛ محیط‌های متراکم تر انرژی بسیار عظیمی داشتند و هرکدام قادر بودند ماده میلیاردها ستاره را در خود داشته باشند. از همین نقاط، کف‌ها شکل گرفتند و

ضمن انبساط سریع به جلو پرتاب شدند؛ شاید برای همین مسئله حضرت علی (ع) فعل «رمی» را آورده است؛ چون معنای تحت اللفظی آن می شود: «و انداخت کف را قسمت متراکم و انبوه آب».^۶ در اینجا فعل «رمی» به معنای انداختن و پرت کردن، نشان دهنده حرکت ناگهانی کف ها در زمان جدا شدن از دریاست. به این ترتیب آسمان های هفت گانه از آن کف به وجود آمد؛ به عبارت دیگر آسمان را بدون هیچ گونه اتصالی (ستونی) یا طنابی برافراشت. این تحولات نشان دهنده مهم ترین رویدادهای لحظه وقوع آفرینش است.

به نظر می رسد سخن امام علی (ع) درباره برپایی آسمان بدون ستون می تواند در راستای تفسیر آیه «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد: ۲) به کار رود. جعفری در این باره می نویسد: «جمله "ترونها" صفت کلمه عمد است؛ در این صورت معنای آیه چنین می شود که خداوند آسمان ها را با ستون غیر قابل رؤیت آفریده است؛ به این معنا که وجود ستون ها واقعیتی نامحسوس است و ما تنها اثر آن را می بینیم. همسو با این آیه، جمله امیرالمؤمنین (ع) نیز هرگونه ستونی را که آسمان ها را برپای بدارد، نفی می کند» (جعفری، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۱۱۵).

آنچه می توان استنباط کرد احتمال وجود نیروی جاذبه و نگه دارنده در توده وسیع اولیه آفرینش است. این نیروی جاذبه همان است که میان تمام ذرات عالم برقرار است و موجب پیوستگی در گازهای مایعی شده است که پیش از این گفته شد.

۲-۴. پیدایش اجرام آسمانی متعاقب انبساط فضا

در بخش پایانی بخش آفرینش جهان در خطبه اول نهج البلاغه، آن حضرت به وسعت، زیبایی و درخشش آسمان بر اثر نور کواکب، ستارگان و ماه تابان اشاره می کند و آنها را زینت آسمان نام می برد. احادیث نقل شده از معصومان درباره بزرگی آسمان ها نشان می دهد هنگامی که نیروی گرانش توانست جهان یک پارچه گازی را در هفت توده بزرگ از هم جدا کند، هر کدام از تکه های بزرگ

برای خود آسمان جداگانه‌ای را به وجود آوردند؛ همچنین در سه آیه از قرآن خداوند «السماء الدنيا» را به کواکب یا مصابیح آراسته است (فصلت: ۱۲؛ صافات: ۶؛ ملک: ۵)؛ این تعبیر در دو مورد پس از عبارت «سبع سماوات» آمده است (فصلت: ۱۲؛ ملک: ۵).

امام علی (ع) همچنین در خطبه ۲۰۲ می‌فرماید: «پس [خداوند] هفت آسمان را بعد از باهم بودن از هم جدا کرد». براساس چنین سخنانی، جهان‌گازی شکل ابتدا بر اثر گرانش در هفت توده بزرگ گرد هم آمد؛ سپس در داخل این توده‌ها، توده‌های بزرگ دیگر گرد هم آمدند که مجموعه‌های کهکشانی بودند؛ پس از آن کهکشان‌ها و ستاره و سیارات به ترتیب به وجود آمدند. تمام این توده‌ها ضمن استقلال ظاهری، وابستگی شدید به هم داشتند؛ در نهایت سرنوشت همه آنها به هم وابسته است. با وجود همه این مسائل، جهان هنوز در قالب حباب‌ها همچنان در حال انبساط و گریز است و همه تحولات با وجود این دو ویژگی حباب‌ها صورت می‌گیرد و به سرنوشتی محتوم در حال شتاب است.

اما کلام امام (ع) که فرمود: «فَرَفَعَهُ فِي هَوَاءٍ مُنْفَتِحٍ وَ جَوْ مُنْفَهَتٍ»، یا اشاره به ملحق شدن صور افلاک به مواد آماده برای صورت‌پذیری است یا اشاره به اختصاص یافتن وجود افلاک به مکان‌های معین و بالا رفتن به سوی آنهاست. اینکه امام (ع) شماره آسمان‌ها را به هفت عدد محدود می‌کند: «مِنْهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ»، برای این است که دو فلک باقی مانده در شریعت به اسم دیگری (عرش و کرسی) معروف‌اند (ابن میثم بحرانی، ۱۴۲۰: ص ۲۹۹ - ۳۲۴).

اگرچه ابهام‌هایی در این باره وجود دارد و همه ابعاد آن برای دانشمندان هنوز معلوم نیست؛ اما با پیشرفت علم و فناوری، یافته‌های جدید علمی بر حقایق قرآن و نهج البلاغه صحه گذاشته است. این حقایق همسو با «نظریه نسبیت» انیشتین است که پیشگویی نمود انحنای فضا، زمان با چگالی جرم - انرژی فضا متناسب است و در صورتی که جرم - انرژی کافی در فضا وجود نداشته باشد، عالم برای همیشه منبسط خواهد شد. همچنین یافته‌های علمی اخیر حاصل

کاوش تلسکوپ جیمز وب (James Webb) در فضا، فاصله اجرام آسمانی را تأیید می‌کند که نشان‌دهنده انبساط جهان است (Kalirai, 2018: 21-30). این یافته با نظریه علمی «حالت پایدار» نیز که معتقد است جهان پیوسته در حال انبساط است، همسو می‌باشد (باقراف، ۲۰۱۸: ص ۷۸)؛ همچنین با نظریه «جهان‌های بی‌شمار» مطابقت دارد. (Davies, 2007: 97-102) در نظریه‌های علمی امروز، جهان‌های فیزیکی بی‌شماری پیش‌بینی می‌شوند که ممکن است در هر کدام، با توجه به شرایط آغازین خود و قانون‌های فیزیکی حاکم، مسیر تکاملی متفاوتی پیموده شود (بیدهندی و انصاری مهر، ۱۳۹۶: ص ۲۳ - ۳۶).

نتیجه

نتایج این مطالعه بر مبنای این پرسش که «زوایای پنهان و تفکربرانگیز منشأ آفرینش جهان و مراحل آن با تمرکز بر نقش پدیده حرکت از منظر نهج البلاغه کدام‌اند؟»، بیان‌کننده آن است که وقایع مهمی در لحظه آفرینش حیات و هستی رخ داده است؛ به طوری که در اولین مرحله جوها خلق و شکافته شدند و بدین ترتیب خلقت آغاز شد. از منظر حرکات آفرینش، دو انفجار بزرگ برای منشأ حیات جهان معرفی شد که نشان‌دهنده نقش مهم و تأمل‌برانگیز پدیده «حرکت» در آغاز آفرینش جهان است. در اولین انفجار فضا، زمان را به وجود آورد، سپس ماده به صورت آب یا ماده آب‌گونه خلق شد که در مرحله بعد انبساط پیدا کرد؛ اما نیروی گرانش (گریز از مرکز) پس از مدتی آن آب را که به صورت دریای جوشان درآمده بود، در یک محدوده و یک جا جمع کرد که نشان‌دهنده حرکتی منظم و هدفمند برای حفظ ماده اولیه خلق شده بوده است. اینجا سپس انفجار دوم حادث شد که درباره فاصله زمانی آن با انفجار اول اطلاعاتی در این سند ارائه نگردید. انفجار دوم که در آن شدت حرکت بسیار بیشتر بود، در ظرف فضا رخ داد و باعث تولید باد شدیدی شد که به دریای جوشان وزید و ماده آن دریا را تحریک و متحول کرد. در نتیجه بر اثر

این حرکات و انرژی حاصل از انفجارها و تحول‌های رخ داده، پرتاب حباب‌های کف‌گونه از این دریا به فضا صورت گرفت. این حباب‌ها ضمن حرکت به جلو در فضا به انبساط پرداختند؛ این رویدادها موجب به وجود آمدن آسمان و منشأ هستی و حیات شدند.

در نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت به موازات تکمیل فرایند آفرینش، شدت حرکات خلقت به تدریج بیشتر شد؛ از این رو می‌توان رکن اصلی پدیدار شدن جهان را در کیفیت و کمیت حرکات دقیق و منظم آفرینش دانست. با مروری بر یافته‌های مطالعه حاضر می‌توان نتیجه گرفت متن نهج البلاغه درباره آفرینش جهان، در راستای نتایج حاصل از نظریه‌های علمی روز است. این تطبیق ارزشمند می‌تواند به تحلیل خوانندگان در زمینه وقایع مربوط به آفرینش جهان قوت ببخشد. همچنین از آنجاکه انجام چنین پژوهش‌هایی پاسخ‌دهنده چالش‌های مطرح شده و گره‌گشای بسیاری از نادانسته‌هاست، پژوهش‌های بعدی نیز در آینده به منظور شفاف‌سازی وقوع حیات در جهان به دنبال آفرینش اولیه پیشنهاد می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نظریه انفجار بزرگ (Big Bang & Small bang Theory)، ژرژ گاموف، ۱۹۴۸.
۲. نظریه حالت پایدار (Steady State)، فرد هویل، ۱۹۴۰.
۳. نظریه جهان پلاسما (Plasma cosmology)، هانس آلفون، ۱۹۳۷.
۴. «ثُمَّ أَنشَأَ سُبْحَانَهُ فَتَنَقَّ الْأَجْوَاءَ وَ شَقَّ الْأُزْجَاءَ وَ سَكَّائِكَ الْهَوَاءِ فَأَجْرَى فِيهَا مَاءً مُتَلَاطِمًا تَيَّأَرُهُ مُتَرَكَمًا زَخَّارُهُ حَمَلُهُ عَلَى مَثْنِ الرِّيحِ الْعَاصِفَةِ وَ الرِّزْجِ الْقَاصِفَةِ فَأَمَرَهَا بِرَدِّهِ وَ سَلَّطَهَا عَلَى شَدِّهِ وَ قَرَنَهَا إِلَى حَدِّهِ الْهَوَاءِ مِنْ تَحْتِهَا فَتَيَقَّى وَ الْمَاءِ مِنْ فَوْقِهَا دَفِيقٌ ثُمَّ أَنشَأَ سُبْحَانَهُ رِيحًا أَعْتَقَمَ مَهَبُهَا وَ أَدَامَ مُرَبَّهَا وَ أَعْصَفَ مَجْرَاهَا وَ أَبْعَدَ مَنَشَأَهَا فَأَمَرَهَا بِتَصْفِيقِ الْمَاءِ الزَّخَّارِ وَ إِثَارَةِ مَوْجِ الْبِحَارِ فَمَخَضَتْهُ مَخَضَ السِّقَاءِ وَ عَصَفَتْ بِهِ عَصَفَهَا بِالْفَضَاءِ تَرْدُ أَوَّلِهِ [عَلَى] إِلَى آخِرِهِ وَ سَاجِيَهُ [عَلَى] إِلَى مَائِرِهِ حَتَّى عَبَّ عُبابُهُ وَ رَمَى بِالزَّبْدِ رَكَامُهُ فَرَفَعَهُ فِي هَوَاءٍ مُنْفَتِقٍ وَ جَوٍّ مُنْفَهَقٍ فَسَوَّى مِنْهُ سَبْعَ

سَمَوَاتٍ جَعَلَ سُفْلَاهُنَّ مُوجًا مَكْفُوفًا وَ عَلَيَاهُنَّ سَفْفًا مَحْفُوظًا وَ سَمَكًا مَرْفُوعًا بِغَيْرِ عَمَدٍ يَدْعُمُهَا وَ لَا دَسَارٍ [يَنْتَظِمُهَا] يَنْظُمُهَا ثُمَّ زَيْنَهَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَ ضِيَاءِ الثَّوَابِقِ وَ أَجْرَى فِيهَا سِرَاجًا مُسْتَطِيرًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا فِي فَلَكٍ دَائِرٍ وَ سَقْفٍ سَائِرٍ وَ رَقِيمٍ مَائِرٍ».

۵. «... حَمَلَهُ عَلَى مَثْنِ الرِّيحِ الْعَاصِفَةِ وَ الرِّزْقِ الْقَاصِفَةِ فَأَمَرَهَا بِرَدِّهِ وَ سَلَطَهَا عَلَى شِدِّهِ وَ قَرَنَهَا إِلَى حَدِّهِ الْهَوَاءَ مِنْ تَحْتِهَا فَتَيْقُ وَ الْمَاءَ مِنْ فَوْقِهَا دَفِيقُ...».

۶. «... ثُمَّ أَنْشَأَ سُبْحَانَهُ رِيحًا اعْتَقَمَ مَهَبُهَا وَ أَدَامَ مُرَبَّيْهَا وَ أَغْصَفَ مَجْرَاهَا وَ أَبْعَدَ مَنْشَأَهَا فَأَمَرَهَا بِتَصْفِيقِ الْمَاءِ الرِّخَّارِ وَ إِثَارَةِ مَوْجِ الْبِحَارِ. فَمَخَّصَتْهُ مَخْصَصَ السَّقَاءِ وَ عَصَفَتْ بِهِ عَصْفَهَا بِالْفَضَاءِ تَرْدُ أَوَّلِهِ - عَلَى - إِلَى آخِرِهِ وَ سَاجِيَهُ - عَلَى - إِلَى مَائِرِهِ حَتَّى عَبَّ عُبَابُهُ وَ رَمَى بِالزَّبَدِ رُكَامَهُ...».

۷. «... إِلَى مَائِرِهِ حَتَّى عَبَّ عُبَابُهُ وَ رَمَى بِالزَّبَدِ رُكَامَهُ فَرَفَعَهُ فِي هَوَاءٍ مُنْفَتِقٍ وَ جَوٍّ مُنْفَتِقٍ فَسَوَّى مِنْهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ جَعَلَ سُفْلَاهُنَّ مُوجًا مَكْفُوفًا وَ عَلَيَاهُنَّ سَفْفًا مَحْفُوظًا وَ سَمَكًا مَرْفُوعًا بِغَيْرِ عَمَدٍ يَدْعُمُهَا وَ لَا دَسَارٍ - يَنْتَظِمُهَا - يَنْظُمُهَا...».

کتاب نامه

قرآن کریم (۱۳۷۹ ش)؛ ترجمه: محمد مهدی فولادوند؛ تهران: دار القرآن الکریم.
 نهج البلاغه (۱۳۸۵ ش)؛ ترجمه و شرح: محمد دشتی؛ ج ۲، قم: انتشارات ناصر.
 نهج البلاغه (۱۳۷۴ ش)؛ صبحی الصالح؛ ج ۱، قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
 ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ ق)؛ شرح نهج البلاغه؛ ج اول، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی (ره).

ابن عربی، محمد (۱۲۹۳ ق)؛ الفتوحات المکیه؛ ج اول، [ابی جا]: بولاق.
 ابن میثم بحرانی، میثم بن علی (۱۴۰۶ ق)؛ مصباح السالکین فی شرح نهج البلاغه؛ تهران: مطبعه خدمات چاپی.
 _____ (۱۴۲۰ ق)؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۱، بیروت: دار الثعلین.
 انصاریان، حسین (۱۳۸۸ ش)؛ ترجمه نهج البلاغه؛ ج ۱، چ اول، قم: دار العرفان.

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۸ ش)؛ نهج البلاغه؛ ج ۱، چ سوم، تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.
- باقراف، علی (۲۰۱۸ م)؛ «آفرینش جهان و انطباق آیات قرآن با نظریه انفجار بزرگ (big bang)»؛ مجله بین‌المللی متافیزیکا، س ۱، ش ۴.
- بوکای، مورس (۱۳۸۶ ش)؛ مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم؛ ج ۱۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بیدهندی، محمد و رهام انصاری مهر (۱۳۹۶ ش)؛ «آفرینش جهان: تعقل یا تصادف؟»؛ الهیات تطبیقی، ش ۱۸.
- پترسون، مایکل و دیگران (۱۳۹۳ ش)؛ عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین؛ ترجمه: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی؛ تهران: طرح نو.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۵۷ ش)؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه؛ ج ۱، چ ۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ (۱۳۶۷ ش)؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه؛ ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خوئی، حبیب‌الله (۱۳۴۴ ق)؛ منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه؛ ج ۹، قم: المکتبه الاسلامیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۴ ش)؛ مفردات الفاظ قرآن؛ تحقیق: صفوان عدنان داودی؛ قم: ذوی القربی، بیروت: دارالعلم دارالشامیه.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ بیروت: دار الکتاب العربی.
- سعیدی رضوی، بهزاد (۱۳۹۳ ش)؛ «دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در مورد کره زمین؛ مطالعه موردی: زمین‌شناسی»؛ سراج منیر، ش ۱۵.
- شفیعی، سعید (۱۳۹۷ ش)؛ «آغاز آفرینش در نهج البلاغه: خاستگاه‌ها؛ تاریخ‌گذاری»؛ فصلنامه علمی پژوهش‌های نهج البلاغه، س ۱۸، ش ۶۲.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۴ ش)؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۴، چ ۱۹، قم: انتشارات اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار المعرفه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)؛ تفسیر کبیر؛ ج ۲۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

منشأ آفرینش جهان و نقش پدیده حرکت در آن از منظر نهج البلاغه / ۱۴۱

فقیهی، علی اصغر (۱۳۷۸ ش)؛ «شیخ محمد عبده و شرح نهج البلاغه»؛ مجله وقف میراث جاویدان، ش ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان.

فیشمن، دیوید و دیگران (۱۳۸۷ ش)؛ کیهان و راه کهکشان؛ ترجمه: سید محمد امین محمدی؛ ج ۴، تهران: کتاب همراه.

فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۶۸ ش)؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ ج ۱، تهران: انتشارات فقیه.

فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۶ ق)؛ تفسیر الصافی؛ تصحیح: حسین اعلمی؛ ج ۲، تهران: مکتبه الصدر.

قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ ق)؛ قاموس قرآن؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کریمی، محمود و مهران موسوی (۱۳۹۶ ش)؛ «آغاز پیدایش جهان در: تفسیر آیات و آخرین یافته‌های کیهان‌شناسی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، س ۸، ش ۳۰.

مردانی، مهدی و فاطمه معصومی (۱۳۹۴ ش)؛ «اصالت سخنان امام علی (ع) درباره آفرینش انسان و حیوان و نقد شبهات»؛ سراج منیر، س ۷، ش ۱۹.

مغنیه، محمد جواد (۱۹۷۹ م)؛ فی ظلال نهج البلاغه؛ ج ۴، بیروت: دار العلم للملایین.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ ش)؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱، چ ۳۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

_____ (۱۳۹۰ ش)؛ پیام امیرالمؤمنین (ع)؛ ج ۱، چ ۱، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۹۹۰ م)؛ الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه؛ ج ۲، چ ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

هوگان، گریگ (۱۳۸۵ ش)؛ انفجار بزرگ؛ ترجمه: علی فعال پارسا؛ مشهد: آستان قدس رضوی.

Davies, Paul . 2007(. Universes Galore: Where Will It All End? In: Universe or Multivers?. B. Carr (ed.), Cambridge: Cambridge University Press.

Greenstein, G.)1988(. The symbiotic universe: Life and mind in the cosmos. New York: William Morrow and Co.

Kalirai J.)2018(.Scientific Discovery with the James Webb Space Telescope. Contemporary Physics. 59(1). Doi: 10.1080/00107514.2018.1467648.

References

- The Quran. 1379 Sh. Translated into Persian by Mohammad Mahdi Fouladvand. Tehran: Dār al-Qur'ān al-Karīm.
- Nahj al-Balāgha*. 1385 Sh. Translated by Mohammad Dashti. Qom: Nasser Publications.
- Nahj al-Balāgha*. 1374 Sh. Edited by Subhi al-Salih. Qom: Markaz al-Buḥūth al-Islāmiyya.
- Ansarian, Hossein. 1388 Sh. *Tarjumih-yi nahj al-balāgha*. Vol. 1. Qom: Dār al-'Irfān.
- Ayati, Abdolhamid. 1378 Sh. *Nahj al-balāgha*. Vol. 1. Tehran: Daftar-i Farhang-i Islāmī.
- Bagherof, Ali. 2018. "Āfarīnish-i jahān va inṭibāq-i āyāt-i Qur'ān bā naẓariyyih-yi infijār-i buzurg (big bang)." *Metaphysica* 1, 4: 76-84.
- Bidehendi, Mohammad and Roham Ansari Mehr. 1396 Sh. "Āfarīnish-i jahān: ta'aqqul yā taṣāduf?" *Ilāhiyyāt-i taṭbīqī* 8, no. 18: 23-36.
- Bucaille, Maurice. 1386 Sh. *Muqāyisih-'ī miyān-i Tawrāt, Injīl, Qur'ān va 'ilm*. Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī.
- Davies, Paul. 2007. "Universes Galore: Where Will It All End?" In *Universe or Multivers?* Edited by B. Carr. Cambridge: Cambridge University Press.
- Faghihi, Ali Asghar. 1378 Sh. "Shaykh Muhammad Abduh va sharḥ nahj al-balāgha." *Vaqf mīrāth-i jāvidān*, no. 25-26 (spring and summer): 103-105.
- Fakhr al-Rāzī, Muḥammad b. 'Umar. 1420 AH. *Al-Taḥsīn al-kabīr*. Vol. 27. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Fayḍ al-Islām, 'Alī Naqī. 1368 Sh. *Tarjumih va sharḥ-i nahj al-balāgha*. Vol. 1. Tehran: Faqih Publications.
- Fayḍ al-Kāshānī, Muḥsin al-. 1416 AH. *Tafsīr al-ṣāfi*. Edited by Hossein Alami. Vol. 2. Tehran: Maktabat al-Ṣadr.
- Greenstein, George. 1988. *The symbiotic universe: Life and mind in the cosmos*. New York: William Morrow and Co.
- Hogan, Craig. 1385 Sh. *Infijār-i buzurg*. Translated into Persian by Ali Faal Parsa. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Ibn Abī al-Ḥadīd, 'Abd al-Ḥamīd. 1404 AH. *Sharḥ Nahj al-Balāgha*. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.

- Ibn al-‘Arabī, Muḥammad. 1293 AH. *Al-Futūḥāt al-Makkiyya*. N.p.: Būlāq.
- Ibn Maytham al-Baḥrānī, Maytham b. ‘Alī. 1406 AH. *Miṣbāḥ al-sālikīn fī sharḥ Nahj al-balāgha*. Tehran: Maṭba‘a Khadamāt-i Chāpī.
- Ibn Maytham al-Baḥrānī, Maytham b. ‘Alī. 1420 AH. *Sharḥ nahj al-balāgha*. Vol. 1. Beirut: Dār al-Tha‘layn.
- Jafari, Mohammad Taghi. 1357 Sh. *Tarjumih va tafsīr-i nahj al-balāgha*. Vol. 1. Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī.
- Jafari, Mohammad Taghi. 1367 Sh. *Tarjumih va tafsīr-i nahj al-balāgha*. Vol. 2. Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī.
- Kalirai Jason. 2018. “Scientific Discovery with the James Webb Space Telescope.” *Contemporary Physics* 59, no. 1: 251-90. Doi: 10.1080/00107514.2018.1467648.
- Karimi, Mahmoud and Mehran Mousavi. 1396 Sh. “Āghāz-i paydāyish-i jahān dar tafsīr-i āyāt va ākharīn yāftih-hāyi kayhānshināsī.” *Muqālī ‘āt-i tafsīrī* 8, no. 30: 43-60.
- Khū‘ī, Ḥabīb Allāh. 1344 AH. *Minḥāj al-barā‘a fī sharḥ nahj al-balāgha*. Vol. 9. Qom: al-Maktabat al-Islāmiyya.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1380 Sh. *Tafsīr-i nimūna*. Vol. 1. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1390 Sh. *Payām-i Amīr al-Munīnīn*. Vol. 1. Qom: Imam ‘Alī ibn Abī Ṭālib Publications.
- Mardani, Mahdi and Fatemeh Masoumi. 1394 Sh. “Iṣḥālat-i suḥanān-i Imam ‘Alī darbārih-yi āfarīnīsh-i insān va ḥayvān va naqd-i shubuhāt.” *Sirāj-i munīr* 7, no. 19: 7-24.
- Mughniya, Muḥammad Jawād. 1979. *Fī zilāl nahj al-balāgha*. Vol. 4. Beirut: Dār al-‘Ilm li-l-Malāyīn.
- Mullā Ṣadrā, Muḥammad b. Ibrāhīm. 1990. *Al-Ḥikmat al-muta‘aliya fī al-asfār al-‘aqliyyat al-arba‘a*. Vol. 2. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Peterson, Michael, William Hasker, Bruce Reichenbach, and David Basinger. 1393 Sh. *Aql va i ‘tiqād-i dīnī: darāmadī bar falsafih-yi dīn*. Translated by Ahmad Naraghi and Ebrahim Soltani. Tehran: Tarh-e Now.
- Qurashī Bunābī, ‘Alī Akbar. 1412 AH. *Qāmūs-i Qur‘ān*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Rāghib al-Iṣfahānī, al-Ḥusayn b. Muḥammad al-. 1384 Sh. *Mufradāt al-fāz al-Qur‘ān*. Edited by Ṣafwān ‘Adnān Dāwūdī. Qom: Dhawī al-Qurbā and Beirut: Dār al-‘Ilm.

- Saeedi Razavi, Behzad. 1393 Sh. “Dīdgāh-i Qur’ān va Nahj al-Balāgha dar mawrid-i kurih-yi zamīn: muṭālī‘ih-yi mawridī: zamīnshināsi.” *Sirāj-i munīr*, no. 15: 89-104.
- Shafī‘ī, Sa‘īd. 1397 Sh. “Āghāz-i āfarīnīsh dar Nahj al-Balāgha: khāstgāh-hā, tārikhguzārī.” *Pazhūhish-hāyi nahj al-balāgha* 18, no. 62: 11-56.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr al-. 1412 AH. *Jāmi‘ al-bayān fī tafsīr al-Qur’ān*. Beirut: Dār al-Ma‘rifa.
- Ṭabāṭabā‘ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1384 Sh. *Tafsīr al-mīzān*. Translated into Persian by Seyed Mohammad Bagher Mousavi Hamadani. Vol. 14. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Villard, Ray, David Fishman, and Dennis Mammana. 1387 Sh. *Kayhān va rāh-i kakhishān*. Translated by Seyed Mohammad Amin Mohammadi. Vol. 4. Tehran: Kitāb-i Hamrāh.
- Zamakhsharī, Maḥmūd al-. 1407 AH. *Al-Kashshāf ‘an ḥaqā‘iq ghawāmiḍ al-tanzīl*. Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.